

روابط تجاری مبارکی که در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای خودمختار تازه‌تأسیس آن پس از تجزیه قدرت کمونیستی ایجاد کردم، به من در پیشبرد پروژه‌های مهمی که بنیاد نهادم کمک کردند. وقتی که مسائل را بررسی می‌کنم، یک مخرج مشترک برای همه چیز پیدا می‌کنم، یک راهبرد که میان راکتور هسته‌ای و نمک‌زدایی آب، میان پروازهای مستقیم به اسرائیل، تلاش‌ها برای تهیه ذره‌ای اطلاعات درباره سرنوشت افسر اسیر رون آراد، و مراسم مهیج «همز یادبود» در زمگاه بای‌بار پیوند می‌دهد. همیشه می‌خواستیم به اسرائیل کمک و مساعدت کنم، [جایی] که در آن بزرگ شدم، خودم را در آن ساختم و به کمکش رسیده به جایی که الان رسیده‌ام. پروژه راه‌آهن هم به همان نوع ادامه یافت. پس از اینکه شرکت «توسعه زمین» را در سال ۱۹۸۱ فروختم، خود را بیشتر و بیشتر درگیر در کسب‌وکار ساختمانی و توسعه زیرساخت‌های مختلف در کشور یافتم. ابتدای دهه فستاد تصمیم گرفتم تا در زمینه‌ای متمرکز شوم که در اسرائیل کمتر توسعه یافته است: خطوط راه‌آهن و قطارهای سریع‌السیر. من رؤیا داشتم که از دولت اسرائیل امتیاز انحصاری

شووع و جنوب احداث کارخانه‌های صنایع و پارک‌های صنعتی در نقب را ترغیب می‌کند، برای ساکنان مرکز اسرائیل که می‌خواهند برای کار در بئر شوع به محل کارشان در نیم ساعت برسند این امکان را فراهم می‌کند و تعداد مکان‌های شغلی برای ساکنان جنوب اسرائیل را افزایش می‌دهد. مارس ۱۹۹۱ با وزیر ترابری، موشه کاتساو ملاقات کردم و به او درباره قصدم برای ورود به دو پروژه در حوزه راه‌آهن گزارش دادم. خط بئر شوع - ایلات و خط تل آویو - اورشلیم. وزیر کاتساو دعای خیرش را کنار من کردم. در همان روزها واقعا اقدامات تجاری‌ام را در اتحاد جماهیر شوروی آغاز کردم و آنجا در ابتدا با دانش زیادی آشنا شدم که در زمینه قطارها و خطوط راه‌آهن نزد آنها اثباتشه شده است. از طریق احداث زیرساخت حمل‌ونقل و ساخت خطوط راه‌آهن رایگان طی این سال‌ها هیچ پولی از اتحاد جماهیر شوروی به جهان عرب نفوذ نکرد. اعتقاد داشتم که برنامه‌ای مشابه ممکن است برای اسرائیل هم مفید باشد، بازدهی بیشتر با همکاری مشترکی میان ما و اتحاد جماهیر شوروی صورت می‌گیرد. در یکی از دیدارهای بسپارم در مسکو ارتباطی با گروهی روسی

«امید و شکست» **خاطر ات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرانیل –۸۳**

ایستگاه تل آویو؛ هاشالوم'



برقرار کردم که در رأس آن ایگور ییزینسکی معاون وزیر ساخت و ساز ترابری روسیه قرار داشت، کسی که رئیس بنسگاه دولتی احداث خطوط راه‌آهن هم بود. چندین مرتبه ملاقات داشتیم و پس از اینکه گروه احترامات وزیر ساخت و ساز ترابری را دریافت کرد که اتفاقا پسر لئونید برنفز، رهبر مقتدر سابق جماهیر شوروی هم بود، گروه موافقت کرد تا در دو پروژه که به آنها پیشنهاد کردم سرمایه‌گذاری کنند. به طور مشترک برنامه تجاری‌ای را تدوین کردیم که بر سرمایه‌گذاری مشترک گروه روسی و گروه نیمرودی با کمک دولت اسرائیل مبتنی است. طی چندین ماه هزینه‌های مورد بحث در اجرای دو پروژه بزرگ را بررسی کردیم. براینام واضح بود که سودآوری اقتصادی اول از همه به دریافت امتیاز انحصاری از دولت اسرائیل برای ساخت خطوط راه‌آهن، در دریافت مجوز برای فعال‌سازی قطارها به مدت حدود بیست و پنج سال بستگی دارد. به منظور تقویت روابط با گروه روسی، ترتیبی دادیم تا معاون وزیر روسی که او هم مهندس خطوط ریلی در تخصصش است، از اسرائیل

باورقی

Research@kayhan.ir

از تل آویو به اورشلیم – که هزینه‌های کل آنها سیصد میلیون دلار به قیمت شوروی تخمین زده شد، به طور کامل مقابل عوامل و سرمایه‌گذاران خارجی که حاضر به ایجاد آنها و تأمین منبع مالی‌شان بودند مورد بررسی قرار گرفتند. هنوز دو گروه بودند که ابراز علاقه نشان می‌دادند، یکی از فرانسه و دیگری از ژاپن، اما گزینه سومدئم گروه روسی باقی ماند. تمایل روس‌ها برای مشارکت عوامل دولتی مثل وزارت ساخت و ساز ترابری و پروژه و استخدام کارگران اسرائیلی و مهاجرانی از کشورهای مستقل مشترک المنافع بسیار قابل توجه بود. علاوه بر این برآوردهی بود که در نتیجه هزینه‌های کاری پایین در روسیه، در مقایسه با فرانسه و ژاپن، خط ریل با هزینه نسبتاً پایین ساخت می‌شد.

در نهایت امر، هر چند همه برنامه‌هایی که افراد گروه روسی حاضر کردند، نگرش مثبتی از سوی وزارتخانه‌های دولت به دست آورد که آنها را بررسی کردند و اگر چه در پروژه‌ها صدها هزار دلار از پول خودم سرمایه‌گذاری کردم، آن‌ها هرگز عملی نشدند. در حالی که منتظر تأیید نهایی امتیاز انحصاری از سوی وزیر ترابری، موشه کاتساو بودیم که قرار بود موضوع را برای تصویب دولت مطرح کند؛ انتخابات اسرائیل برگزار شد و دولت تغییر کرد. شتاب کردم تا با دوست و مشاورم، اسحاق موداعی به دفتر نخست‌وزیر، اسحاق رابین گزارش دهم. او شرح برنامه را شنید، هیجان‌زده شد و در حضور ما بلافاصله با وزیر جدید ترابری، عزرائل کیسار تماس گرفت تا با یک ملاقات کاری را هماهنگ کند. با وزیر کیسار در دفترش ملاقات کردیم. همه تیم‌های ارشد وزارت در ملاقات شرکت کردند. برنامه را نشان دادیم و منتظر پاسخ وزیر ترابری شدیم. با شنیدن پاسخش شوکه شدم.

وزیر کیسار مرا به دفترش دعوت کرد، با نیمه‌لیخندی به من نگاهی انداخت و با تردید در جدیت یا به شوخی گفت: «نیمرودی! بگو هنوز به اندازه کافی کسب درآمد نکرده‌ای؟ چیزی که تو نیاز داری این است؟»^۴

این نشنیدم را باور نداشتم. به خاطر فقدان آزمان، اسرائیل زیرساخت حمل‌ونقل را از دست می‌دهد. تا به امروز نتوانستم مفهوم گفته‌های وزیر کیسار را بفهمم.

همه نمایندگان دولت که با آنها ملاقات کردیم بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند و رضایت اصلی‌شان برای پروژه‌ها را ارائه دادند. حتی وزارت ترابری در یک حرکت خاص به احترام هیئت اعزامی روسی، پیش‌ها و بررسی‌های قابل اجرای قبلی را که برای آماده‌سازی پروژه‌های مشابه انجام شدند، در اختیار من قرار داد. پایش‌ها به عدم سودآوری اقتصادی دو پروژه اشاره داشتند، اما من طور دیگری فکر می‌کردم. من ظرفیت اقتصادی پنهانی در آن‌ها می‌دیدم و باور داشتم که امکان خواهد داشت تا منابع مالی مناسبی بباییم، البته بعد از بررسی‌های عمیق برنامه‌های جامع [Generalplan] که روس‌ها انجام دادند. با چشمان دهنم‌اولین قطاری را می‌دیدم که به مقصد نهایی می‌رسد؛ ایستگاه جدید قطار در شهر ایلات.

طی سال ۱۹۹۲ سازمان بنادر و قطارها بررسی امکان فالی اجرای بیشتری را مطالبه کرد: احداث خط قطار سریع‌السیر بین تل آویو و اورشلیم که سفر با آن حدود نیم ساعت طول خواهد کشید. این دو پروژه – قطارهای سریع‌السیر از بئر شوع به ایلات و

روابط تجاری مبارکی که در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای خودمختار تازه‌تأسیس آن پس از تجزیه قدرت کمونیستی ایجاد کردم، به من در پیشبرد پروژه‌های مهمی که بنیاد نهادم کمک کردند. وقتی که مسائل را بررسی می‌کنم، یک مخرج مشترک برای همه چیز پیدا می‌کنم، یک راهبرد که میان راکتور هسته‌ای و نمک‌زدایی آب، میان پروازهای مستقیم به اسرائیل، تلاش‌ها برای تهیه ذره‌ای اطلاعات درباره سرنوشت افسر اسیر رون آراد، و مراسم مهیج «همز یادبود» در زمگاه بای‌بار پیوند می‌دهد. همیشه می‌خواستیم به اسرائیل کمک و مساعدت کنم، [جایی] که در آن بزرگ شدم، خودم را در آن ساختم و به کمکش رسیده به جایی که الان رسیده‌ام. پروژه راه‌آهن هم به همان نوع ادامه یافت. پس از اینکه شرکت «توسعه زمین» را در سال ۱۹۸۱ فروختم، خود را بیشتر و بیشتر درگیر در کسب‌وکار ساختمانی و توسعه زیرساخت‌های مختلف در کشور یافتم. ابتدای دهه فستاد تصمیم گرفتم تا در زمینه‌ای متمرکز شوم که در اسرائیل کمتر توسعه یافته است: خطوط راه‌آهن و قطارهای سریع‌السیر. من رؤیا داشتم که از دولت اسرائیل امتیاز انحصاری

۲. **ت‌هاجم فرهنگی**

برخی دیگر از گروه‌های معارض، همان گروه‌های نفاق هستند که در این نظام نقش مخلف را ایفا می‌کنند؛ لیکن مخالفت خود را بروز نمی‌دهند. اینان تلاش می‌کنند از طریق مغالطه و ایجاد شبهه در آذهان، باورها و ارزش‌های انحرافی را در جامعه جا اندازند و از این طریق، به اهداف خود دست یابند.

این دسته اخیر که دشمنان اسلام به آن‌ها دل خوش نموده‌اند، تلاش می‌کنند تا جامعه را از درون تخریب نمایند و عمدتاً از طریق هجوم فرهنگی به اهداف شوم خود ناثل آیند. یکی از برنامه‌های مهم دشمنان اسلام در جهت تضعیف باورها و ارزش‌ها این است که با نفوذ در دستگاه سیاست‌گذاری کشور، کسانی را سر کار آورند که اعتقادات و مبانی فکری و ارزشی آن‌ها تا حدودی از امام فاصله گرفته باشد و تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌ها و افکار غربی باشند. خطر این دسته از افراد به قدری گسترده است که بزرگ‌ترین تهدید علیه نظام جمهوری اسلامی به رود. خطراتی همچون آفات نظامی، اقتصادی و سیاسی ممکن است ششخ و برگ‌های انقلاب را برزد یا موجب کم‌بار شدن آن شود. اما افت فرهنگی، آفتی است که تشیبه به ریشه انقلاب می‌زند و درخت اسلام را می‌خشکاند.

دشمنان فرهنگ دینی مردم، می‌کوشند تا در حوزه باورها، نگرش جامعه را درباره خدا، هستی و انسان تغییر دهند. در این صورت آنان می‌توانند در هن نسل جوان و نیز کسانی که ارتباط قلبی و معنوی با عالم ماورای ماده برقرار ن‌ساخته‌اند، تأثیر بگذارند. بحث قران‌ت‌های مختلف از دین و نیز طرح‌نظری عدم ثبات معرفت دینی از مباحثی است که در راستای تضعیف باورها صورت گرفته است. دومین میدان ستیز با فرهنگ دین، عرصه ارزش‌هاست. در این راستا بحث اعتباری بودن ارزش‌ها را مطرح می‌سازند تا یوزیتوسیم اخلاقی را جامعه جاقند و ارزش‌های ثابت و اصیل، رنگ ببازد. بدین‌سان و تسامح نیز از جانب مطرح می‌شود که ارزش‌ها و گرایش‌ها تابع عوامل روانی و اجتماعی و پیرو خواست و میل انسان تلقی شود. در این صورت حقیقت ثابتی را نمی‌توان ثابت کرد. این گونه نیامح‌ن نیز از نظر اسلام مطرح است و تنها ارمانگی که به هم‌راه خواهد آورد، در میان رفتن غیرت دینی مسلمانان و تضعیف مبانی دینی خواهد بود. نتیجه مباحث مذکور آن خواهد شد که اصرا وزربین بر سر باورها و ارزش‌های کاری نامواحب باشد. نتیجه است و در این زمینه، هر چه از گفت‌وگو و مدارا یا مخالفان و دشمنان وجود ندارد و از این‌رو نهضت‌های مبتنی بر باورها و ارزش‌های معین، مانند انقلاب اسلامی، به خطا رفته‌اند. در کنار سرشت کردن باورها و ارزش‌ها، استثمارگران می‌کوشند تا از میزان پابندیی مردم

از تل آویو به اورشلیم – که هزینه‌های کل آنها سیصد میلیون دلار به قیمت شوروی تخمین زده شد، به طور کامل مقابل عوامل و سرمایه‌گذاران خارجی که حاضر به ایجاد آنها و تأمین منبع مالی‌شان بودند مورد بررسی قرار گرفتند. هنوز دو گروه بودند که ابراز علاقه نشان می‌دادند، یکی از فرانسه و دیگری از ژاپن، اما گزینه سومدئم گروه روسی باقی ماند. تمایل روس‌ها برای مشارکت عوامل دولتی مثل وزارت ساخت و ساز ترابری و پروژه و استخدام کارگران اسرائیلی و مهاجرانی از کشورهای مستقل مشترک المنافع بسیار قابل توجه بود. علاوه بر این برآوردهی بود که در نتیجه هزینه‌های کاری پایین در روسیه، در مقایسه با فرانسه و ژاپن، خط ریل با هزینه نسبتاً پایین ساخت می‌شد.

در نهایت امر، هر چند همه برنامه‌هایی که افراد گروه روسی حاضر کردند، نگرش مثبتی از سوی وزارتخانه‌های دولت به دست آورد که آنها را بررسی کردند و اگر چه در پروژه‌ها صدها هزار دلار از پول خودم سرمایه‌گذاری کردم، آن‌ها هرگز عملی نشدند. در حالی که منتظر تأیید نهایی امتیاز انحصاری از سوی وزیر ترابری، موشه کاتساو بودیم که قرار بود موضوع را برای تصویب دولت مطرح کند؛ انتخابات اسرائیل برگزار شد و دولت تغییر کرد. شتاب کردم تا با دوست و مشاورم، اسحاق موداعی به دفتر نخست‌وزیر، اسحاق رابین گزارش دهم. او شرح برنامه را شنید، هیجان‌زده شد و در حضور ما بلافاصله با وزیر جدید ترابری، عزرائل کیسار تماس گرفت تا با یک ملاقات کاری را هماهنگ کند. با وزیر کیسار در دفترش ملاقات کردیم. همه تیم‌های ارشد وزارت در ملاقات شرکت کردند. برنامه را نشان دادیم و منتظر پاسخ وزیر ترابری شدیم. با شنیدن پاسخش شوکه شدم.

وزیر کیسار مرا به دفترش دعوت کرد، با نیمه‌لیخندی به من نگاهی انداخت و با تردید در جدیت یا به شوخی گفت: «نیمرودی! بگو هنوز به اندازه کافی کسب درآمد نکرده‌ای؟ چیزی که تو نیاز داری این است؟»^۴

این نشنیدم را باور نداشتم. به خاطر فقدان آزمان، اسرائیل زیرساخت حمل‌ونقل را از دست می‌دهد. تا به امروز نتوانستم مفهوم گفته‌های وزیر کیسار را بفهمم.

همه نمایندگان دولت که با آنها ملاقات کردیم بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند و رضایت اصلی‌شان برای پروژه‌ها را ارائه دادند. حتی وزارت ترابری در یک حرکت خاص به احترام هیئت اعزامی روسی، پیش‌ها و بررسی‌های قابل اجرای قبلی را که برای آماده‌سازی پروژه‌های مشابه انجام شدند، در اختیار من قرار داد. پایش‌ها به عدم سودآوری اقتصادی دو پروژه اشاره داشتند، اما من طور دیگری فکر می‌کردم. من ظرفیت اقتصادی پنهانی در آن‌ها می‌دیدم و باور داشتم که امکان خواهد داشت تا منابع مالی مناسبی بباییم، البته بعد از بررسی‌های عمیق برنامه‌های جامع [Generalplan] که روس‌ها انجام دادند. با چشمان دهنم‌اولین قطاری را می‌دیدم که به مقصد نهایی می‌رسد؛ ایستگاه جدید قطار در شهر ایلات.

طی سال ۱۹۹۲ سازمان بنادر و قطارها بررسی امکان فالی اجرای بیشتری را مطالبه کرد: احداث خط قطار سریع‌السیر بین تل آویو و اورشلیم که سفر با آن حدود نیم ساعت طول خواهد کشید. این دو پروژه – قطارهای سریع‌السیر از بئر شوع به ایلات و

تعاملات شخصی که قبلاً فاش نشده بود را به اشتراک می‌گذارم که امیدوارم به خوانندگان درک عمیق‌تری از شخصیت و سبک مدیریت ترامپ بدهد.

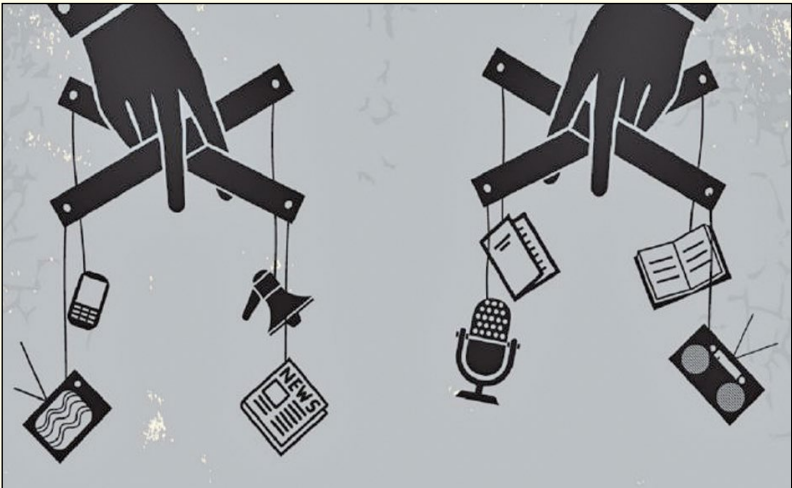
در طول چهار سال حضورم در کاخ سفید، درس‌های بی‌شماری آموختم که دیدگاه من را در مورد نحوه عملکرد دولت و جهان تغییر داد. در این میان سه مورد برجسته است.

اولین مورد این است که قول‌دادن آسان، اما رسیدن به نتیجه دشوار است. ترامپ بدون ارثشی از بوروکرات‌های با تجربه و خودی‌های واشنگتن که شما نتوانستید آن را به هم رساند، به یک چالش مداوم بود. در هر مرحله، افراد داخل دولت سعی کردند از عمل کردن رئیس‌جمهور به وعده‌های خود مبنی

خاطرات «جرد کوشر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا – ۳

نگاه به جهان از دوربین رسانه‌ها تا واقعیت

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان



بر انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس، خروج از توافق با ایران، ساخت دیوار در مرز جنوبی کشور و مذاکره مجدد درباره نفتا^(۱) و از جمله بسیاری از اقدامات جسورانه دیگر، جلوگیری کنند. من با صدها انسان باهوش، شایسته و میهن‌پرست آشنا شدم که در پشت صحنه برای انجام کارها تلاش خستگی‌ناپذیری کردند. با این حال، تنها به یک مانع برخورد کرانیک محدود پیچیدگی‌های کنگره، یک فرد قدرتمند نیست از جلوی پیشرفت را بگیرد. واشنگتن برای مقاومت در برابر تغییر، برنامه‌ریزی شده است، حتی اگر این تغییر، چیزی باشد که رأی‌دهندگان بیشتر از هر چیزی دنبال آن باشند. پنج معامله تجاری بزرگ، کاهش مالیات برای خانواده‌های کارگر، مقررات‌زدایی گسترده، کمترین نرخ بیکاری در پنجاه سال گذشته، اصلاحات عدالت کیفری، واکسن کووید-۱۹ در کمتر از یک سال، مقابله با چین، شکست داعش، بدون جنگ جدید، و پیمان‌های صلح

۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱- نام این بخش در نسخه اصلی کتاب «راه‌ها هاشالوم، اورشلیم-تل‌آویو» است. برای اختصار و با توجه به اینکه امروزه نام ایستگاه هاشالوم در تل‌آویو به عنوان اصلی‌ترین ایستگاه

۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۷- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۸- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۹- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۰- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۱- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۶- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۷- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۸- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۱۹- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۰- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۱- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۶- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۷- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۸- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۲۹- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۰- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۱- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۶- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۷- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۸- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۳۹- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۰- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۱- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۶- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۷- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۸- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۴۹- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۰- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۱- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۶- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۷- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۸- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۵۹- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶۰- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶۱- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶۲- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶۳- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶۴- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که نیمرودی در این کتاب بیان می‌کند، پاسخ به همین شبهه است که کارهایی که انجام یا پیشنهاد داده به دنبال کسب منافع شخصی نبوده، بلکه اقداماتش با اعتقاد به آرمان صهیونیسم

۶۵- یکی از درون‌مایه‌های اصلی خاطراتی که